گروه فرهنگی-اجتماعی برهان؛

هدف سازمان بهداشت جهانی از اجرای برنامه‌های کنترل جمعیت

اما به راستی هدف سازمان بهداشت جهانی از اجرای برنامه‌های کنترل جمعیت در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه‌ی مسلمانی مانند ایران چیست؟

پاسخ این سؤال را شاید بتوان در بخشی از مقاله‌ی رابرت واکر، که در آن بر اساس اطلاعات مجله‌ی «سیاست خارجی آمریکا» و مؤسسه‌ی «صندوق صلح» به تحلیل آمار جمعیت کشورهای مختلف پرداخته است، پیدا کرد.

وی، با اشاره به جمعیت 810میلیونی 20 کشور، که عمدتاً‌ در آفریقا و خاورمیانه متمرکز هستند و طبق آمار سازمان ملل پیش‌بینی می‌شود ظرف مدت 37 سال این میزان دو برابر شود، می‌افزاید: اگر رشد جمعیت در این کشورها مهار نشود، این میزان در 2050 به یک میلیارد و 7 میلیون نفر خواهد رسید و این بدان معناست که سهم جمعیتی این کشورها از 11 درصد فعلی به 18 درصد در 2050 خواهد رسید. بر این اساس، در شرایط کنونی جهان، که با پیشرفت علم و تکنولوژی نقش عواملی چون زمین و سرمایه زیر سایه‌ی نیروی انسانی قرار می‌گیرد، می‌توان آشکارتر دلیل دلسوزی و نگرانی نهادهای بین‌المللی و تحلیل‌گران غربی از رشد جمعیت در جوامع غیرغربی، به خصوص کشورهای آفریقایی و خاورمیانه را که کشورهای اسلامی هستند، درک کرد. از همین روی، پس از بررسی‌های مختلف در قالب پروژه‌های متعددی که در آمریکا و کشورهای اروپایی روی رشد جمعیت در کشورهای مسلمان و در حال توسعه و تأثیر آن در معادلات سیاسی و اقتصادی جهان و جابه‌جایی احتمالی قدرت انجام گردید و تخمین زده شد که جمعیت این کشور‌ها تا سال 1999 به 5 میلیارد نفر افزایش پیدا می‌کند، روز 11 جولای 1989 روز جهانی جمعیت و سیاست‌های تنظیم خانواده، در لوای اقدامات بشردوستانه و سلامت، توسط دفتر برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل متحد تعیین شد.

اما ببینیم برای این کاهش سهم جمعیت کشورهای اسلامی از جمعیت جهان چه کارهایی صورت گرفت.

با عنایت به تاریخ تحولات رخ‌داده در کشورهای اروپایی، می‌بینیم برای جدا کردن زن از خانواده و کشاندن وی به محیط کار به عنوان نیروی کار ارزان‌قیمت یک سری پیش‌شرط‌هایی داشت؛ از جمله اینکه باید نگاه زنان به نقش‌های فطری‌شان، یعنی مادری و همسری، تغییر می‌کرد.

از همین روی هم جریان‌های فمینیستی طراحی و اجرایی شد تا با تغییر نگاه زنان، آن هم با شعار دفاع از حقوق زن، وی را از دنیای مادری و همسری جدا کند و با این تدبیر، زنان را از خانه به بازار کار بکشاند. این تجربه اما در نهایت غرب را به وضعیتی رسانده است که شاهد بروز بحرانی تحت عنوان «بحران مادری» یا «بحران خانواده» در غرب هستیم.

بنابراین تجربه، بهترین راهکار برای کم‌رنگ کردن نقش نیروی انسانی و کاهش جمعیت در کشورهای مسلمان بهره‌گیری از راهکاری است که امتحان خود را پس داده است. علاوه بر آن، تغییر نگاه و ارزش‌های زن مسلمان و جدا کردن وی از بدنه‌ی خانواده می‌تواند بسیاری از اهداف دیگر غرب را هم تأمین کند. رسوخ فرهنگ و تمدن غربی در جامعه، فروپاشی نظام خانواده، کاهش جمعیت و در نهایت تزلزل نظام اجتماعی و سیاسی همه و همه می‌تواند با استحاله‌ی اصلی‌ترین محور خانواده و رکن اجتماع، یعنی زن، اتفاق بیفتد.

یکی از اصلی‌ترین راهکارهای غرب برای جدایی زن از خانواده و در پی آن پایین آمدن میزان باروری و تمایل زنان به مادر شدن، نفوذ تفکرات فمینیستی در جوامع مسلمان بود. این روند در کشور ما از اواخر دوره‌ی قاجار شکل گرفت و در دوره‌ی پهلوی اول و دوم به اوج خود رسید. ظاهر این موضوع با طرح‌ مسئله‌ی‌ رشد فکری‌ زن‌ و بالا بردن‌ سطح‌ آگاهی‌ وی‌ در کشورهای‌‌ اسلامی آغاز شد، اما در نهایت اجرای این طرح به تغییرات مهمی در سبک زندگی خانواده و در نهایت کاهش‌ سطح‌ رشد جمعیت‌ منجر شد.

اگرچه تغییر موقعیت‌ زن‌ و نقش‌ وی‌ در جامعه‌ تحت عنوان رشد زنان به جامعه‌ی ما ارائه شد؛ اما‌ به‌ عقیده‌ی‌ پایه‌گذاران‌ سیاست‌های‌ جمعیتی،‌ به‌ معنی‌ جدا شدن‌ زن‌ از هر گونه‌ ارزش‌های‌ اخلاقی‌ و اجتماعی‌ با‌ ریشه‌ی مذهبی‌ است و همین‌ امر یکی‌ از ابزارهایی است‌ که‌ موجب‌ می‌شود سطح‌ رشد جمعیت‌ در کشورهای‌ اسلامی‌ سیر نزولی‌ داشته‌ باشد.

بر اساس تحقیقات‌، اغلب زنانی‌ که به‌ بازار کار روی‌ می‌آورند کاندیدای جدا شدن‌ از ارزش‌های‌ اجتماعی‌ خود هستند و راحت‌تر الگوهای‌ غربی‌ را برای‌ خود می‌پذیرند و حتی سایر زنان جامعه را متقاعد می‌کنند بچه‌دار شدن‌ (زایمان‌) با آزادی‌ و استقلال‌ و تحقق‌ هویتشان‌ در تضاد است‌!

اما راهکارهای غرب برای تغییر نگرش و ارزش‌های مردم کشورهای اسلامی نسبت به افزایش جمعیت چیست؟

•بهداشت: یکی از دست‌مایه‌های سازمان بهداشت جهانی برای عرضه‌ی سیاست‌های کنترل جمعیت به کشورهای جهان سوم، طرح مسئله‌ی‌ مرگ‌ومیر مادران و نوزادان در سیاست‌های‌ کنترل‌ جمعیت‌ است. در برنامه‌های تنظیم خانواده و جمعیت عرضه‌شده از سوی این سازمان، بر مسئله‌ی‌ کاهش‌ مرگ‌ نوزادان‌ شیرخوار و کاهش‌ مرگ‌ مادران‌ باردار به خاطر زایمان‌ بسیار تأکید می‌شود و ادعا می‌شود که‌ بیشتر تحقیقات‌ نشان‌ می‌دهد که‌ افزایش‌ بی‌رویه‌ی‌ جمعیت‌ منجر به‌ مرگ‌ نوزادان‌ شیرخوار می‌گردد. این‌ ادعا اما تنها به‌ دو متغیر، یعنی‌ میزان‌ وفات‌ و میزان‌ رشد، توجه‌ کرده‌ است و عواملی‌ چون‌ تغذیه‌ و بهداشت‌ را که‌ در مسئله‌ی‌ مرگ‌‌ومیر مؤثرند به‌ حساب‌ نیاورده‌اند. بنابراین مستند، واقعی و قابل پذیرش نیست و بیشتر به‌ خدمت‌ سیاست‌های‌ جمعیت‌شناسی‌ در آمده‌ است‌. از سوی دیگر، یکی از برنامه‌های عادی در طرح‌های جمعیت و تنظیم خانواده جلوگیری از بارداری‌های ناخواسته است که اگر این مهم با داروها و انواع روش‌های پیشگیری در دسترس و رایگان محقق نشد، این طرح‌ها راهکار دیگری برای آن دارند، ‌سقط جنین.

این در حالی است که سقط جنین، بنا به تأکید متخصصان زنان و روان‌شناسان، هم روی سلامت جسمی و امکان باروری‌های بعدی زن و هم روی سلامت روحی آنان تأثیر بسیار ناخوشایندی دارد؛ اما یکی از مؤکدات سازمان بهداشت جهانی، به خصوص در روز جهانی جمعیت امسال، پیشگیری از بارداری‌های زودرس و امکان سقط جنین ایمن بود!

•مباحث اقتصادی: وَلاَ تَقْتُلُواْ أَوْلادَکُمْ خَشْیَةَ إِمْلاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِیَّاکُم إنَّ قَتْلَهُمْ کَانَ خِطْءًا کَبِیرًا

و فرزندان خود را از ترس فقر و تنگدستى نکشید، ماییم که آن‌ها و شما را روزى مى‏دهیم، حقا که کشتن آن‌ها گناهى بزرگ است.

این آیه‌ی قرآن بدون شک گویاترین پاسخ به سیاست‌های سازمان جهانی بهداشت درباره‌ی تنظیم خانواده و جمعیت است به بهانه‌ی مسائل اقتصادی است؛ هرچند ما در دورانی از این آیه غافل شدیم.

با وجود این، افزایش تعداد فرزندان خانواده را مترادف با فشار اقتصادی بر مردم انگاشته است و تمامی‌ تحقیقات‌ سیاست‌های‌ جمعیتی،‌ که‌ از جانب‌ سازمان‌ ملل‌ متحد پشتیبانی‌ می‌شوند، این موضوع را تأیید می‌کنند. در چالش‌های اقتصادی کشورهای جهان سوم، اما این واقعیت نادیده گرفته می‌شود که‌ عواملی‌ چون‌ سیطره‌ی کشورهای‌ غربی‌ بر سرنوشت‌ این‌ کشورها و غارت‌ منابع‌ ملت‌ها و همچنین‌ وجود نظام‌های‌ دیکتاتوری‌ و فساد سیاسی‌ و اقتصادی‌ و اجتماعی‌ در ایجاد مشکلات‌ اقتصادی‌ در کشورهای‌ اسلامی‌ سهیم‌ هستند؛ پس، می‌توان نتیجه گرفت رشد جمعیت،‌ رابطه‌ای‌ با فشار اقتصادی‌ ندارد. از سوی دیگر، غرب و آمریکا از یک سو کشورهای مسلمان را با روش‌هایی مانند تحریم تحت فشار اقتصادی قرار می‌دهند و از سوی دیگر این فشارها را به تعداد فرزندان خانواده نسبت می‌دهند؛ در حالی که جمعیت در صورت برنامه‌ریزی مناسب، می‌تواند چرخ‌های تولید را هم به چرخش در بیاورد و نیروی انسانی مولد یکی از زیربناهای توسعه‌ی اقتصادی است.

•همراه ساختن علمای دینی: دستورات دینی خط قرمز و قوی‌ترین نظام برای کنترل جامعه است. از همین رو، همواره شاهد تلاش سازمان‌های جهانی در همراه ساختن علمای دینی برای توجیه سیاست‌های تحدید نسل و جایز شمردن آن از نگاه اسلام بوده‌ایم تا در مردم‌ این‌ باور به‌ وجود بیاید که‌ استفاده‌ از راه‌های‌ جلوگیری‌ از بارداری‌ با تعالیم‌ اسلام‌ هیچ‌ منافاتی‌ ندارد.

•شعار حمایت از حقوق بشر و زن‌: وقتی‌ زن‌ ارزش‌های‌ اجتماعی‌ غربی‌ را پذیرفت‌، سعی‌ می‌کند در راستای‌ این‌ هدف‌ راه‌های‌ جلوگیری‌ از بارداری‌ را به کار بگیرد‌ و تعداد زایمان‌ را کاهش‌ دهد. این شعار در حالی مطرح می‌شود که مادر شدن یک ویژگی فطری در درون هر زنی است و زنانی که به هر دلیل چنین تجربه‌ای ندارند، همواره با یک کمبود درونی مواجه می‌شوند. همچنین اسلام برای زنان، به ویژه زنانی که مادر می‌شوند، مقام و جایگاه ممتازی قائل است. از سوی دیگر، همان گونه که ذکر شد، روش‌های پیشگیری از بارداری یا سقط جنین هرچند راهکاری برای کنترل جمعیت است، اما آسیب‌های روحی و حتی جسمی متعددی را برای زنان در پی دارد. این در حالی است که در غرب بسیاری از بارداری‌ها خارج از چارچوب خانواده شکل می‌گیرد که این موضوع به خصوص در رابطه با بارداری‌های دختران نوجوان اهمیت بیشتری می‌یابد؛ اما این زنان پس از ارضای نیاز جنسی یک مرد حتی فرزندشان را باید سقط کنند تا مردان از حداقل مسئولیتی که در قبال فرزندشان دارند نیز آسوده شوند؛ پس، بی‌تردید این حمایت از حقوق زنان نیست.

•تبلیغات گسترده برای فرهنگ‌سازی: «فرزند کمتر زندگی بهتر» شعاری است که به کمک رسانه‌ها و مطبوعات بر اساس سیاست‌های غرب و آمریکا و بی‌توجهی مسئولان جوامع اسلامی، همانند ایران، در ذهن مردم حک و موجب‌ حاکمیت‌ فرهنگ‌ غربی‌ بر جوامع‌ اسلامی‌ شده‌ است و طبیعتاً برای پاک شدن این شعار نیازمند کار فرهنگی قوی و گسترده‌ای هستیم؛ لااقل به اندازه‌ی فعالیت‌های فرهنگی هدفمندی که این باور را در ذهنشان نشاند.

اهداف‌ غرب از اعمال سیاست‌های کاهش جمعیت در کشورهای هدف

با نگاهی به سیر جمعیت در کشورهای غربی، در می‌یایبم که طی دهه‌ی‌ شصت‌، حجم‌ نسبی‌ جمعیت‌ کشورهای‌ سرمایه‌داری‌ سیر نزولی‌ داشته‌ است‌ تا جایی‌ که‌ تعداد جمعیت‌ این‌ کشورها (کشورهای‌ اروپای‌ غربی‌ و ایالات‌ متحده‌ی‌ آمریکا و کانادا) 8/16 درصد از جمعیت‌ جهان‌ را تشکیل‌ می‌دهد و در سال‌ 1368 این‌ نسبت‌ به‌ 1/12 درصد کاهش‌ یافت‌ و این‌ سیر نزولی‌ به خاطر فروپاشی‌ خانواده‌ در جوامع‌ غربی‌ همچنان‌ ادامه‌ دارد. در مقابل، اما روند افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه و به خصوص کشورهای اسلامی، سهم آن‌ها را از جمعیت جهان افزایش می‌دهد که همین امر با عنایت به قدرت تعیین‌کننده‌ی جمعیت در معادلات بین‌المللی و ترس و نگرانی آمریکا از قدرت گرفتن کشورهای اسلامی، سبب شد تا این کشور و کشورهای اروپایی به‌ کاهش‌ رشد جمعیت‌ در کشورهای‌ جهان‌ سوم‌، به خصوص‌ جمعیت‌ کشورهای‌ اسلامی،‌ به‌ عنوان‌ یکی‌ از پایه‌های‌ استراتژیک‌ در سیاست‌ خارجی‌ توجه‌ داشته‌ باشند.

اهرم‌های سیاسی غرب به خصوص آمریکا برای کنترل جمعیت

ایالات‌ متحده‌ی‌ آمریکا، طی دهه‌‌ی پنجاه‌ میلادی،‌ متوجه‌ این‌ مسئله‌ شد‌ که‌ اگر سطح‌ تکنولوژی‌ بین‌ کشورها به خصوص‌ در زمینه‌ی‌ نظامی‌ مساوی‌ شود، افزایش‌ جمعیت‌ عامل‌ برتری خواهد بود؛ همان گونه که کشورهایی همچون هند، چین و پاکستان امروز به تکنولوژی علمی و نظامی غرب و آمریکا دست یافته‌اند و امروز تهدیدی جدی برای غرب و اروپا به شمار می‌آیند.

در دهه‌ی هفتاد و در زمان هنری کسینجر، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور وقت آمریکا، پروژه‌ای درباره‌ی تأثیر روند رشد جمعیت جهانی بر امنیت ملی آمریکا طراحی و انجام شد. این پروژه روند فزاینده‌ی رشد جمعیت جهانی را بر خلاف امنیت ملی آمریکا می‌دانست و با تشریح استراتژی آمریکا در مورد جمعیت جهانی، سیاست‌ها، راهکارها، چگونگی همکاری سازمان‌های بین‌المللی و روش ترغیب و اقناع رهبران کشورهای مورد نظر برای کاهش روند رشد جمعیت را تبیین می‌کرد. بر اساس این پژوهش، افزایش جمعیت در کشورهای کمتر توسعه‌یافته با منابع غنی منجر به افزایش مصرف این منابع در راستای تأمین رفاه و معیشت مردم آن کشورها شده است و در نتیجه نفت و دیگر منابع با افزایش قیمت و در واقع کاهش دسترسی غرب و آمریکا مواجه می‌شوند و منافع اقتصادی آن‌ها را به خط می‌اندازد.

ساموئل هانتینگتون در بخشی از مصاحبه‌ی خود، درباره‌ی تمدن اسلام و چین و چالش آن‌ها با تمدن غرب، با اشاره به نقش روزافزون مسلمانان، می‌گوید: تمدن اسلام تمدنی است که چالش آن تا حدودی متفاوت از دیگر چالش‌هاست؛ چرا که این تمدن اساساً ریشه در نوعی پویایی جمعیت دارد. رشد بالای زاد و ولد، که در اکثر کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم، این چالش را متفاوت کرده است. امروزه بیش از 20 درصد جمعیت جهان اسلام را جوانان 15 تا 25ساله تشکیل داده‌اند (گاردنر، 1386، ص 296).

از همین رو، این‌ کشور بخشی از سیاست‌ خارجی‌اش‌ را بر مبنای کنترل جمعیت‌ کشورهای‌ جهان‌ سوم‌ و در کنار آن‌، کشورهای‌ اسلامی‌ متمرکز کرده است و این مهم را از طریق‌ صندوق‌ جهانی‌ پول‌ و سازمان‌ ملل‌ متحد و سازمان‌های‌ وابسته‌ به‌ آن‌ مثل‌ سازمان‌ بهداشت‌ جهانی‌ و سازمان‌ کشاورزی‌ و تغذیه‌ی‌ بین‌المللی‌ و غیره‌ انجام می‌دهد. از سوی دیگر، تبدیل‌ کشورهای‌ پرجمعیت‌ به‌ کشورهای‌ کم‌‌جمعیت‌ (کوچک‌) کشورهای‌ در حال‌ توسعه‌ را محتاج‌ کشورهای‌ غربی‌ نگه می‌دارد که این مهم با سیاست‌های کاهش جمعیتی تحت عنوان تنظیم خانواده، تلاش برای تجزیه‌ی جمعیت‌های تحت فرمان یک نظام سیاسی و ممانعت از اتحاد کشورهای اسلامی و عربی اجرایی می‌شود.

حمایت‌های مالی و غیر مالی سازمان‌های بین‌المللی و مؤسسات آمریکایی از کاهش جمعیت

باور «هر آن کس که دندان دهد نان دهد» ریشه در اعتقادات و ارزش‌های مذهبی ما دارد و بر اساس آیات و روایات، سقط جنین گناهی نابخشودنی است؛ حال آنکه سیاست‌های سازمان جهانی بهداشت تحت عناوینی چون تنظیم خانواده یا بهداشت باروری در برابر ارزش‌های دینی ما ایستاده است و با طرح مسئله‌ی فقر و تأمین معاش، حتی سقط جنین را امری عادی جلوه می‌دهد؛ در حالی که دیدگاه‌های‌ فلسفی‌ سیاست‌های‌ جمعیت‌شناسی،‌ که‌ بر اساس‌ بی‌دینی‌ پایه‌گذاری‌ شده‌، با دین‌ اسلام‌ در تضاد است‌.

با وجود این آمریکا، با مدیریت‌ سیاسی‌ در کشورهای‌ اسلامی،‌ آن‌ها را به‌ لزوم‌ پذیرش‌ و تقویت‌ سیاست‌های‌ جمعیتی‌ به منظور کاهش‌ جمعیت‌ متقاعد می‌سازد و از طریق مؤسساتی مانند آژانس‌ رشد و توسعه‌ی‌ بین‌المللی‌ آمریکا (U. S. Agendy for International Developlent)، باث‌ فایندر (path Finder) و همچنین سازمان‌های‌ بین‌‌المللی‌ همچون سازمان‌ بهداشت‌ جهانی، سازمان‌ تغذیه‌ و کشاورزی‌ بین‌المللی‌ (فائو)، سازمان‌ فرهنگی‌ (یونسکو) و شورای‌ جمعیتی هزینه‌ی اجرای طرح‌های کاهش جمعیت و تولید و توزیع وسایل پیشگیری از بارداری را تأمین می‌کند. از سوی دیگری نیز با نفوذ فرهنگی و تغییر ارزش‌های جوامع اسلامی و نگاهی که دین ما به بحث بارداری و فرزندآوری دارد، هدف کاهش جمعیت در کشورهای اسلامی دنبال می‌شود.

این سیاست‌ها و پشتیبانی‌ مالی‌، اما علاوه بر آنکه نظر غرب را در جابه‌جایی منحنی جمعیت در کشورهای اسلامی تأمین می‌کند، با نفوذ فرهنگ‌ غربی‌ در جوامع‌ اسلامی‌، خطر نابودی‌ ارزش‌های‌ اجتماعی‌ را که‌ از دین‌ اسلام‌ سرچشمه‌ می‌گیرد، با خود به همراه دارد و باعث‌ می‌شود تا ارزش‌های‌ اجتماعی‌ در چارچوب‌ نظام‌ بی‌دینی‌ غرب‌ شکل‌ بگیرد.(\*)

عدم تطبیق سیاست‌های کاهش جمعیت با دین اسلام

بالا رفتن سن ازدواج، ‌ظهور پدیده‌ی تک‌فرزندی و تزلزل پایه‌های خانواده پدیده‌ای است که هرچند در غرب اوج گرفته، اما در برخی کشورهای اسلامی همانند کشور خودمان نیز در حال فراگیر شدن است. یکی از دلایل بروز این پدیده در ایران اما همراهی سیاست‌های کشورمان با طرح‌های ارائه‌شده از سوی سازمان جهانی بهداشت است؛ این در حالی است که سیاست‌های کاهش جمعیت در تقابل با بسیاری از توصیه‌ها و تأکیدات دین مبین اسلام است، آن هم در شرایطی که دین اسلام بیشترین تطابق را با فطرت بشر دارد و حتی مطابق تحقیقات بسیاری از دانشمندان غربی، روی برخی دستورات دین اسلام، این دین یگانه دستورالعمل آرامش و سعادت بشر است.

1. ازدواج زودهنگام از توصیه‌های دین اسلام است، در حالی که سیاست‌های جمعیتی سازمان‌های بین‌المللی این امر را تقبیح می‌کنند؛ اگرچه آمار دختران نوجوان باردار، به خصوص در کشورهای فاقد نظام خانوادگی منسجم و بازدارنده‌های اخلاقی و ارزشی همچون کشورهای اروپایی نشان می‌دهد در این زمینه با چالشی مواجهیم که حکایت از یک نیاز دارد؛ هرچند برنامه‌های سازمان بهداشت جهانی برای پاسخ به این نیاز سقط جنین ایمن را در نظر گرفته است! امری که در دین اسلام قتل عمد به شمار می‌آید و مشمول قوانین جزایی می‌شود و بسیار تقبیح شده است.

2. همان گونه که ذکر شد، آیات صریحی در قرآن افراد را از سقط جنین منع می‌کند و در احادیث نبوی بر ازدیاد نسل مسلمانان تأکید شده است.

تَنَاکَحُوا تَنَاسَلُوا فَإنِّی‌ أُبَاهِی‌ بِکُمُ الأمَمَ وَ لَوْ بِالسِّقْطِ «ازدواج‌ کنید و در ازدیاد نسل‌ بکوشید که‌ من‌ به‌ زیادی‌ تعداد شما مسلمانان‌ بر سایر امت‌ها مباهات‌ خواهم‌ کرد حتی‌ به‌ کودکان‌ سقط‌شده‌ی‌ شما!»

3. از سوی دیگر نیز همان گونه که یکی از دلایل غرب و آمریکا برای اعمال سیاست‌های کنترل جمعیت در کشورهای جهان سوم و کشورهای اسلامی و اتخاذ سیاست‌های افزایش جمعیت در کشورهای خود،‌ توجه به نقش اثرگذار جمعیت در معادلات بین‌المللی قدرت است. از همین روی، می‌توان توصیه‌ی اسلام به ازدیاد نسل مسلمانان را از این منظر نیز بررسی کرد.

4. علاوه بر این؛ مادر شدن می‌تواند سلامت روحی و جسمی زن را در پی داشته باشد. همچنین سلامت خانواده در پرتو تعامل فرزندان با یکدیگر است و نگرانی‌های متعددی که درباره‌ی فراگیر شدن پدیده‌ی تک‌فرزندی وجود دارد به دلیل چالش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی افرادی است که تک‌فرزند هستند. از سوی دیگر نیز دین مبین اسلام در عمل برای خانواده‌ها نسخه نمی‌پیچد و آن‌ها را وادار به داشتن فرزند بیشتر یا کمتر نمی‌کند، بلکه تمام این‌ها توصیه‌هایی است که در کنار توصیه درباره‌ی چگونگی تربیت فرزندان و رفتار با همسر و فرزند می‌تواند نقشه‌ی راه را روشن کند؛ اما سیاست‌های کنترل جمعیت دیکته‌شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی تحت فرمان غرب و آمریکا با نفوذ در کشورها و نشستن در قالب قوانین، ‌اجبار و الزام را جانشین اختیار می‌کنند. در کشور ما نیز قانون تنظیم خانواده و جمعیت، که در سال 72 از سوی مجلس مصوب شد، با محروم کردن فرزند چهارم و فرزندان بعدی از خدمات اجتماعی، اهرم فشاری را بر دوش خانواده‌های خواهان فرزند بیشتر گذاشت.

مشوق‌های کشورهای مختلف برای مادر شدن

با نگاهی گذرا به تناقض رفتاری کشورهای غربی و سازمان‌های بین‌المللی و سیاست‌های جمعیتی متفاوتی که برای کشورهای غربی و کشورهای جهان سوم و اسلامی به کار می‌برند، می‌توان تا حد زیادی سیرتی را که فراروی چهره‌ی موجه و دلسوزانه‌ی آنان در ارتباط با حق و حقوق زنان و مسائل بهداشتی و اقتصادی قرار دارد دید؛ چرا که اگر جمعیت عامل فقر، مرگ و بیماری است و مادر شدن حقوق زنان مسلمان ساکن خاورمیانه یا آفریقا را تضییع می‌کند پس همین اتفاق در سایر نقاط دنیا هم می‌افتد. این در حالی است که بسیاری از کشورهای غربی مشوق‌های مالی و حمایتی گوناگونی را برای سرپرست خانواده و به خصوص مادران برای افزایش جمعیت دارند؛ زیرا رشد جمعیت نامناسب، ‌صفر یا منفی موجب شده است هرم سنی‌شان رو به پیری برود.

دولت اسپانیا، برای تولد هر بچه، 2500 یورو به زوج‌ها پرداخت می‌کند. دولت کره‌ی جنوبی هم برای تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری 3 هزار دلار برای تولد هر بچه به زوج‌ها می‌دهد. «آنگلا مرکل»، صدر اعظم آلمان، چند سال قبل که میانگین تعداد بچه‌های خانواده‌های این کشور 1/3 بچه تخمین زده شد، پیشنهاد حقوق هزار و 800 یورویی را برای مادرهایی که مراقب بچه‌های خود در خانه هستند مطرح کرده است. این کشور همچنین، برای جبران رشد منفی جمعیت خود، با تصویب قانونی به مهاجرانی که چندین سال در این کشور زندگی کرده‌اند و فرزندانشان تا 17 سالگی در کشور آلمان درس می‌خواندند کمک هزینه‌ی تحصیلی می‌دهند و برای آنان سبدهای حمایتی کمک مالی دارند. بر اساس گزارش یورو نیوز «کریستینا شرودر»، وزیر امور خانواده‌ی آلمان، به دنبال ارائه‌ی طرحی است که به پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها اجازه می‌دهد که برای نگه‌داری از نوه‌هایشان مرخصی بدون حقوق بگیرند.

از دیگر اقدامات دولت آلمان، کمک مالی به پدران و مادران شاغلی است که به دلیل تولد فرزند خود یا مرخصی به واسطه‌ی نگه‌داری از فرزند، دستمزدی دریافت نکردند؛ بنابراین حمایت مالی، مردان یا زنانی که دستمزدی دریافت نکرده‌اند، دو‌سوم دستمزد خود را با افزایش 2٫375 دلاری در هر ماه از دولت دریافت می‌کنند و کسانی که حقوق پایین‌تری دریافت می‌کنند 100 درصد حقوق خود را از دولت دریافت می‌کنند. اگر یکی از والدین در مرخصی باشد، تا 12 ماه می‌تواند به صورت فوق در مرخصی باقی بماند، با ضمانت این مسئله که بعد از 12 ماه به همان شغل قبلی خود باز می‌گردد و اگر هر دو والدین در مرخصی باشند تا 14 ماه می‌توانند این گونه در کنار خانواده‌ی خود حضور داشته باشند.

در فرانسه نیز بر اساس قوانین جدید، خانواده‌ها برای به بچه‌دار شدن خود هیچ‌گونه نگرانی برای از دست دادن شغل خود به دلیل مرخصی طولانی یا مخارج فرزندان ندارند. بر این اساس، خانواده‌های فرانسوی تا سه سال می‌توانند با ضمانت اینکه به شغل خود بر می‌گردند، در کنار فرزند خود حضور داشته باشند؛ دولت به صورت سالانه از سه‌سالگی تا سنین تعیین‌شده نسبت به کمک‌هزینه‌های مالی فرزندان برای پیش‌دبستانی و همچنین دوران مدرسه و دانشگاه به خانواده‌ها تضمین قانونی می‌دهد. سبد کالا، کاهش اخذ مالیات و استفاده از امکانات دولتی برای فرزندان و خانواده‌ها و حتی کمک‌هزینه‌ی استخدام خدمتکار برای خانواده‌هایی که بچه‌دار شده‌اند، از دیگر تدابیر دولت فرانسه برای احیای ارزش‌های مادری و نهاد خانواده در این کشور است.

ژاپن هم با داشتن یکی از پایین‌ترین نرخ‌های تولد در سر تا سر جهان دارای بالاترین درصد جمعیت مسن است و برای مواجهه با بحران مادری و جمعیت، ‌قانونی به نام «کودومو تیت»(Kodomo Teate) را در سال 2010 تصویب کرد تا خانواده‌ها برای فرزندانشان تا سن 15سالگی ماهانه تا 13 هزار ین کمک مالی دریافت کنند؛ از سوی دیگر پدر و مادر یک به یک بتوانند، در صورت اخذ مرخصی با نصف حقوق خود، تا سقف تعیین‌شده، در مرخصی حضور داشته باشند و بدون هیچ تغییری به کار قبلی خود بازگردند.

ولادمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در جریان تبلیغات انتخاباتی خود، تأکید کرد که جمعیت روسیه باید افزایش یابد تا این کشور در آینده دچار مشکل نشود. روسیه حمایت مالی از خانواده‌هایی را که برای اولین یا دومین و حتی سومین بار دارای فرزند می‌شوند به دولت و نهادهای مسئول ابلاغ کرده است؛ بنا بر ابلاغ دولت روسیه، معافیت‌های مالیاتی و حمایت‌های مالی برای تربیت و رشد فرزندان و سبدهای کالای حمایتی و نقدی به خانواده‌ها از دیگر اقدامات این کشور است.

سیاست‌های جمعیتی در کشور ما

سال گذشته بود که با تذکر رهبر انقلاب در رابطه با خط قرمز کاهش جمعیت مواجه شدیم. بحث رسیدن رشد جمعیت به زیر حد جانشینی امری است که نگرانی‌های متعددی را در ارتباط با جمعیت ایران در پی داشته است و از آن مهم‌تر، ‌پیر شدن هرم سنی جمعیت کشورمان است.

صرف نظر از آمار و ارقامی که افتادن در چاله‌ی جمعیتی با طی همین روند افزایش جمعیت تا سال 95 را نشان می‌دهد، یکی دیگر از چالش‌های مهم در کنار رشد صفر و منفی جمعیت پیر شدن هرم سنی است که مسائل و حاشیه‌های مربوط به خود را دارد. در همین زمینه، بر اساس سناریوی رشد پایین جمعیتی، که سازمان ملل متحد در سال 2010 منتشر کرده است، اگر ایران به همین صورت به ادامه‌ی جایگزینی جمعیتی بپردازد و برنامه‌ای برای تعادل آن نداشته باشد، در80 سال آینده، جمعیت 31میلیونی را تجربه خواهد کرد! از این میان، 47 درصد این جمعیت را افراد سالمند بالای 60 سال تشکیل می‌دهند.

در این میان، غفلت بزرگی که دولت‌های چهارم تا نهم مرتکب شدند، این بود که با کاهش موالید و کاهش رشد جمعیت، ساختار جمعیتی دگرگون می‌شود؛ به این معنا که سیاست کاهش مستمر زاد و ولد و انتقال از باروری طبیعی به باروری کنترل‌شده، به تدریج ساختار سنی جمعیت ایران را از وضعیت جوانی خارج و به طرف سالخوردگی سوق می‌دهد. در صورت تداوم سیاست کنترل جمعیتی، روند کاهش جمعیت کمتر از 15ساله، به حدود 15 درصد خواهد رسید!

تمام این مسائل اما به اصلاح قانون تنظیم خانواده و مصوبات تشویقی شورای عالی انقلاب فرهنگی برای افزایش جمعیت منجر شد. هرچند اصلاح قانون تنظیم خانواده در افزایش مرخصی زایمان زنان و مرخصی دو هفته‌ای پدران پس از برگشت خوردن از شورای نگهبان، به دلیل بار مالی، با تغییر از الزام به مجاز بودن تصویب شد؛ اما به نظر می‌رسد صرف مجاز بودن، قدرت کافی برای اجرای این قانون را نمی‌آورد. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز هنوز برای اجرا ابلاغ نشده است و همه‌ی این‌ها حکایت از این دارد که مسئولان کشورمان به لزوم بازنگری در سیاست‌های جمعیتی کشور باور ندارند. این نکته‌ای است که رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان نظام به آن اشاره داشتند و طرح ارائه‌شده از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی به مجلس را جواب‌گوی رفع خطر تحدید نسل ندانستند.

بار مالی طرح‌های افزایش جمعیت یا به بیان بهتر جلوگیری از خطر تحدید جمعیت، در حالی از سوی برخی از مسئولان مطرح می‌شود که پیری، رشد صفر و در نهایت منفی جمعیت کشورمان مطابق سناریوی پیش‌بینی‌شده از سوی سازمان ملل متحد به مراتب هزینه‌های بالاتری را به کشور تحمیل خواهد کرد.

راهکارها

بی‌تردید، مهم‌ترین راهکار برای افزایش جمعیت تغییر نگرش منفی مردم به این مقوله است. فرهنگ «فرزند کمتر، زندگی بهتر» آنچنان در ضمیر ناخودآگاه مردم ما نشسته است که به راحتی نمی‌توان آن را پاک کرد. برای تغییر این نگرش، اما باید همانند ایجاد آن کار فرهنگی گسترده‌ای را دنبال کرد و بی‌تردید این مهم کلیدی‌ترین اصل برای مقابله با تحدید نسل است.

·        اصلاح ساختار سبک زندگی و بازگشت به سبک اصیل ایرانی‌اسلامی

·        تبیین اهمیت و ارزش جایگاه مادری برای زنان جامعه و حمایت از آنان

·        برطرف ساختن دغدغه‌های معیشتی بانوان و در نظر گرفتن تسهیلات برای مادرانی خانه‌دار

·        در نظر گرفتن برنامه‌های فرهنگی و حمایتی برای کاهش سن ازدواج

·        برنامه‌ریزی صحیح و کارآمدی دولت‌ها برای مدیریت صحیح منابع و پیشگیری از پیامدهای صنعتی شدن، مدرنیته و... است.

·        مشکلات موجود کشور تا حدودی ناشی از توزیع نامناسب جمعیت و تراکم جمعیت در شهرها و توسعه‌ی شهرها و عدم بهره‌برداری صحیح از منابع است. بنابراین توزیع مناسب جمعیت در نقاط مختلف کشور هم می‌تواند به رشد کمی و کیفی آن کمک کند.

منابع:

·        چاله‌ی جمعیتی؛ کبری خزعلی، رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان.

·        کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، علامه آیت‌الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی.

·        سوره‌ی الاسراء، آیه‌ی 31.

·        بیانات رهبری در دیدار با مسئولان نظام 30 تیر 92.

·        http://mehrkhane.com/fa/news/7399

·        تأملی در سیاست کنترل جمعیت، آثار و پیامدهای آن؛ محمد فولادی

\*'زهرا چیذری؛ کارشناس فرهنگی/انتهای متن